

تأديب

۲



ویژۀ مربیان جهادگر

مركز الأبحاث والدراسات
مركز الأبحاث والدراسات



سرشناسه: صالحی، فاطمه، ۱۳۶۹-، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: کتابخوانی و داستان / به‌اهتمام معاونت عملیات جهادی سازمان بسیج دانشجویی، مرکز مطالعات و هدایت حرکت‌های جهادی بسیج سازندگی؛ گردآورندگان فاطمه صالحی، مرجان هرمزی‌شیخطیقی، فاطمه بیانی‌صداقت.
مشخصات نشر: تهران: سازمان بسیج دانشجویی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۳۲ ص.

فروست: تادیب

مجموعه جزوات تادیب؛ ۲.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۲۵۱۰-۵

وضعیت فهرست نویسی: نفیاً

یادداشت: این اثر، به معرفی مجموعه ای از کتاب های مناسب برای مربیان جهادگر جهت استفاده در مناطق محروم می پردازد

موضوع: کودکان -- کتاب و مواد خواندنی

Children -- Books and reading

موضوع: کتاب و مواد خواندنی

Books and reading

موضوع: مهارت‌های اجتماعی در کودکان -- راهنمای آموزشی

Social skills in children -- Study and teaching

شناسه افزودن: هرمزی شیخ طبعی، مرجان، ۱۳۷۳-

شناسه افزودن: بیانی صداقت، فاطمه، ۱۳۷۰-

شناسه افزودن: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. سازمان بسیج سازندگی. مرکز مطالعات راهبردی و هدایت حرکت‌های جهادی

رده بندی کنگره: Z۱۰۳۷

رده بندی دیویی: ۲۸۸/۵

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۹۵۶۶۹

شناسنامه

مجموعه جزوات تادیب (۲)

کتاب‌خوانی و داستان

به اهتمام: معاونت عملیات جهادی سازمان بسیج دانشجویی
مرکز مطالعات و هدایت حرکت‌های جهادی بسیج سازندگی
گردآورندگان: فاطمه صالحی، مرجان هرمزی‌شیخطیقی، فاطمه صداقت‌بیانی
ناشر: مرکز اسناد و انتشارات سازمان بسیج دانشجویی

نوبت چاپ: اول - پاییز ۹۸

آدرس: تهران - خیابان طالقانی - تقاطع مفتح - مجتمع فرهنگی
سیزده آبان - مرکز اسناد و انتشارات سازمان بسیج دانشجویی

تلفن: ۰۹۱۹۳۳۷۲۱۸۴ - ۸۳۸۱۵۱۶

پست الکترونیک: bso.publication@gmail.com

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۲۵-۱۰-۵

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۲۵-۰۸-۲



JAHADGARAN.org



سازمان
بسیج
دانشجویی



فهرست

۵	مقدمه
۶	اهمیت کتاب و کتاب خوانی
۷	انواع کتاب‌ها و روش‌های معرفی آن‌ها
۹	روش‌های متنوع کتاب‌خوانی و علاقه‌مندکردن کودکان به کتاب
۱۳	کتاب داستانی و داستان‌گویی
۱۸	مراحل کار داستان‌گویی
۲۰	درون‌مایه و کلان‌روایت
۲۳	کلان‌روایت‌ها
۳۰	پیوست
۳۰	فهرمان‌پروری

مقدمه

کتابخوانی چیزی است که برای یک ملت،
فریضه است؛ واجب و لازم است.

مصاحبه در پایان بازدید از پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب
تهران - ۱۳۷۱/۰۲/۱۷

با توجه به آن چه در اصول تأدیب آمد، برای آن که کودک برای دوره سوم رشد آماده شود، می‌بایست در پایان این دوره بتواند اختیار کند؛ یعنی بتواند خوب را از بد تشخیص داده و به آن عمل کند. اختیار و عمل، جز با تقویت تفکر و تعقل در کودک میسر نمی‌شود. تفکر و تعقل ابزار مهارتی هستند که در این دوره رشد پیدا کرده و در تصمیمات آینده کودک تأثیر بسزایی خواهند داشت. این تفکر و تعقل، نه تنها جنبه‌های دینی، که جنبه‌های فردی و اجتماعی شخصیت کودک را شکل می‌دهد.

هرچقدر میزان مطالعه در کودک بالاتر باشد، رشد تفکر و تعقل در او بهتر صورت می‌گیرد و می‌تواند در رشد کامل و بهتر کودک در این دوره مؤثر واقع شود. با توجه به این نکته، جزوه حاضر از سری جزوات اطاعت و متکی بر جزوه اصول تأدیب به شما جهادگرا می‌تقدیم می‌شود.

اهمیت کتاب و کتاب‌خوانی

اهمیت مطالعه و کتاب‌خوانی از آن جایی روشن می‌شود که آیات ابتدایی که بر قلب مبارک پیامبر نازل شده است، در رابطه با خواندن است. این موضوع در ادیان آسمانی با نزول کتاب هویت پیدا می‌کند و اهمیت آن را برای جامعه مشخص می‌کند.

بسیاری از دانشمندان و روان‌شناسان معتقدند که اساس و زیربنای شخصیت انسان در سال‌های اول زندگی پایه‌گذاری می‌شود و آموخته‌های این دوران، تأثیر عمیقی بر آینده زندگی فرد دارد. بنابراین اگر مطالب خواندنی مفید و سازنده در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد و آن‌ها از همان سنین کودکی به مطالعه عادت کنند، راه و رسم زندگی را خواهند آموخت و تحت تأثیر داستان‌ها و کتاب‌های آموزنده، به رشد و تعالی خواهند رسید و در آینده نیز برای حل مشکلات خود از کتاب‌ها کمک خواهند گرفت.

خواندن کتاب‌ها و داستان‌های مختلف، موجب شکل‌گیری ارزش‌های گوناگون در ذهن کودک می‌شود، حساسیت او را رشد می‌دهد و احترام به دیگران در او شکل می‌گیرد. رضایتی که کودک از مطالعه به دست می‌آورد، او را متکی به خود بار خواهد آورد. سؤالاتی که بر اثر مطالعه برای کودک مطرح می‌شود و مقایسه‌هایی که او بین مسائل مختلف می‌کند، باعث می‌شود رشد فکری و عقلی چشم‌گیری با مطالعه برای او حاصل شود.

از طرف دیگر، ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی در مواجهه با ابزار رسانه‌ای که ذهن کودکان و نوجوانان را به کار گرفته است و عمده‌توانش بر روی مخاطب، القای مفاهیم به کمک رسانه‌های تصویری و اثرگذاری بر دین و هویت ملی است، می‌تواند کودک را در برابر این ابزار رسانه‌ای واکسینه کند. همچنین سرگرم شدن کودکان به ابزار تصویری سبب می‌شود مخاطب، اطلاعات و داده‌های زیادی را در مدت زمان کم دریافت کند، بدون آن‌که فرصت اندیشیدن و تعقل کردن را



داشته باشد. مطالعه کردن می تواند شیوه مناسبی برای حفظ تفکر و تعقل کودک در این دوره و سپری برای او در برابر ابزار رسانه ای باشد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: «هرآن کس که با کتاب آرامش یابد، راحتی و آسایش از او سلب نمی گردد.» کودکانی که با کتاب انس می گیرند، در مقایسه با سایر کودکان، آرام تر، خلاق تر، فعال تر و متفکرتر هستند. ضمن این که در برقراری روابط و مناسبات اجتماعی موفق ترند. کودک در هنگام مطالعه، با شخصیت کتاب همراه می شود و در مواقع متفاوت، خودش را جای شخصیت می گذارد. به عبارت دیگر، کودک با مطالعه هر کتاب، یک زندگی و داستان متفاوت را تجربه می کند؛ از این رو مطالعه به کودک کمک می کند که از تجربیات دیگران درس گرفته و با تقویت قدرت تفکر در خود، آینده بهتری را برای خود رقم بزند و نسبت به آینده با دید بازتر و خوشبین تر رفتار کند. این کودکان به دلیل سطح مطالعه بالا و دریافت های متفاوت از فضای اجتماعی، تاریخی، ادبی و دینی نسبت به سایر همسالان خود، نسبت به هویت ملی و دینی خود حساس بوده و پایبندی بیشتری به اصول دارند.

انواع کتاب ها و روش های معرفی آن ها

باتوجه به ضرورت و اهمیت مطالعه در این سنین و با در نظر گرفتن این نکته که حافظه و قدرت یادگیری کودکان در این سنین بی نظیر بوده و هرآن چه می خواند را در ذهن ثبت می کند، فرایند انتخاب کتاب و علاقه مند کردن کودکان به کتاب، اهمیت بسزایی دارد. در این بخش، ابتدا به چند نکته کوتاه درباره انتخاب کتاب می پردازیم و در ادامه، روش های معرفی کتاب خواهد آمد. کتاب باید:

۱. محتوای خلاقانه داشته باشد؛

۲. هیجان انگیز و جالب باشد؛

۳. محتوای آموزشی داشته باشد؛

۴. شخصیت‌هایی داشته باشد که بتوانند در شرایط سخت، تصمیم درست بگیرند؛
۵. پایان خوشی داشته باشد؛
۶. مبتنی بر فانتزی، جادو و امور ماورایی نباشد.

در نظر داشته باشید که تقسیم‌بندی کتاب باید به‌گونه‌ای باشد که خواندن کتاب را برای کودک آسان کند. کتاب‌ها در زمینه‌های گوناگونی نوشته می‌شوند، اما برای مخاطب دوره دوم رشد، همه زمینه‌ها مفید و مؤثر نخواهد بود. کتاب‌های داستانی، تاریخی و دینی، کتبی هستند که کودکان به آن‌ها بیشتر علاقه نشان داده و برای رشد کودک مؤثرتر هستند.

کتاب‌های داستانی کشش زیادی دارند و مخاطب را با خود همراه می‌کنند. مطالعه چنین کتاب‌هایی سبب ایجاد حس مقایسه بین شخصیت‌های خوب و بد در ذهن مخاطب شده و کودک با پیام داستان مواجه می‌شود. پیروزی خصلت‌ها و شخصیت‌های خوب و نیک، باعث ایجاد حس مثبت در کودک می‌شود. به دلیل اهمیت کتاب‌های داستانی و نحوه بیان‌شان، این بخش در یک سرفصل جداگانه به تفصیل می‌آید.

مطالعه کتاب‌های دینی به کودک و نوجوان کمک می‌کند تا به درک صحیحی از این مسائل دست یابد و پیش از آن‌که دیر شود، به رشد و شکوفایی برسد. البته انتخاب کتاب‌های مناسب و چگونگی مطالعه و برداشت کودک از مطالب آن‌ها از حساسیت خاصی برخوردار است و به راهنمایی افراد آگاه نیاز دارد. مطالعه سرگذشت پیامبران و ائمه در این دسته‌بندی قرار می‌گیرند.

مطالعه کتاب‌های تاریخی، به کودک کمک می‌کند در تاریخ سیر کند، با اقوام گذشته آشنا شود و در رابطه با میهنی که اکنون به ارث برده، آگاهی کامل پیدا

کند. افزوده شدن اطلاعات تاریخی در کودک، علاوه بر رشد عرق ملی در کودک، به طور کاملاً عاقلانه، سبب رشد قدرت تجزیه و تحلیل مسائل مختلف جامعه در کودک می شود و آینده بهتری را برای او رقم می زند.

روش های متنوع کتاب خوانی و علاقه مند کردن کودکان به کتاب

روش معرفی کتاب، خود از موضوعات مهمی است که باید به آن پرداخته شود. مقام معظم رهبری می فرمایند: «مشکل تراز کتاب نوشتن، رساندن کتاب به چشم و ذهن مخاطب است.»^۱ هرچقدر روش معرفی کتاب جذاب تر و هیجان انگیزتر باشد، کودک رغبت بیشتری برای مطالعه کتاب پیدا می کند. در این جا به اختصار، چند روش را ذکر می کنیم:

۱. معرفی ضربتی کتاب

این روش را آکادمی رمشاید^۲ در آلمان ایجاد کرده و اجرای آن را به کتابخانه های عمومی و مراکز آموزشی در آلمان پیشنهاد می کند. این طرح به صورت مسابقه اجرا می شود. در این مسابقه، هر کتاب باید در کمتر از سه دقیقه معرفی شود. این معرفی می تواند به صورت:

- خواندن گزیده ای از کتاب باشد؛
- خلاصه ای از داستان به صورت داستان گویی باشد؛
- خودنگاره ای از شخصیت اصلی داستان باشد؛
- مصاحبه ای با شخصیت اصلی داستان و یا نویسنده داستان باشد؛
- گفتگویی درباره موضوع اصلی کتاب باشد؛
- ایفای نقش باشد؛
- یک آگهی تبلیغاتی باشد؛
- سایر موارد.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در ستاد بزرگداشت ۴۰۰۰ شهید استان گلستان، ۱۵ آذر ۱۳۹۵.

برای اجرای این مسابقه، ابزارهایی از جمله زمان سنج، چندکتاب برای معرفی و تخته مورد نیاز است. پس از معرفی هر کتاب، مخاطبان می‌توانند به آن نمره‌ای بین ۱ تا ۱۰ بدهند. مخاطبان حتی می‌توانند با سوت زدن، معرفی کتاب را قطع کنند. گرداننده برنامه، امتیازات را روی تابلویی می‌نویسد و بعد از معرفی تمام کتاب‌ها، امتیازات را جمع بسته و کتاب برنده را معرفی می‌کند. در پایان برنامه، همه کتاب‌های معرفی شده به نمایش گذاشته می‌شوند. در واقع این نمایشگاه، فرصت خوبی است تا کودکان و نوجوانان بتوانند نگاهی به کتاب‌ها بیاندازند و انگیزه‌ای برای خواندن بیابند. این برنامه ویژه نوجوانان دوازده سال به بالاست.

۲. گفتگوی گروهی درباره کتاب

کودکان برای درک مطالب و لذت از کتاب، به فرصت‌هایی برای دیدن، شنیدن، سخن‌گفتن و بیان دیدگاه‌هایشان نیاز دارند. بهترین راه برای مشارکت کودکان در کتاب‌خوانی، گفتگو درباره موضوع آن کتاب است. وقتی داستان در جایی قطع می‌شود و کودکان درباره کنش‌های شخصیت‌های داستان یا بیان تجربه‌های مشابه خود سخن می‌گویند، در خواندن آن کتاب مشارکت کرده‌اند. زمانی که از زاویه دید خود به داستان می‌نگرند و آن را تحلیل می‌کنند، درگیر داستان شده‌اند. هنگامی که روند داستان را پیش‌بینی می‌کنند، تخیل آن‌ها به چالش گرفته می‌شود. وقتی دیدگاه‌های خود را با همسالانشان در میان می‌گذارند، برای شنیدن دیدگاه‌های گوناگون و احترام به آن‌ها آماده می‌شوند. به این ترتیب با گفتگو، به کودکان فرصت داده می‌شود به شکل مستقل بیان‌دیشند و تصمیم بگیرند، دیدگاه‌های خود را بیان کنند و به سخنان دیگران گوش فرا دهند. در گفتگو درباره داستان، می‌توان با پرسش، کودکان را به تمرکز و توجه بر درون‌مایه، سبک و فضای داستانی و عناصر دیگر رهنمون کرد. این کار، هم کودکان و نوجوانان را با ساختار داستان و عناصر داستانی آشنا می‌سازد و هم لذت خواندن را دوچندان می‌کند.



۳. فعالیت‌های هنری با کتاب

همراه‌کردن فعالیت‌های هنری با کتاب‌خوانی، می‌تواند برانگیزانندهٔ کودکان و نوجوانان به خواندن کتاب باشد و به آن‌ها کمک می‌کند تا تفسیرهای خود را از فضاسازی و شخصیت‌های داستان داشته باشند و بتوانند به دلخواه، اندیشه‌های متفاوتشان را بیان کنند و درعین‌حال مهارت‌های هنری و حساسیت‌های زیبایی‌شناختی خود را پرورش دهند. استفاده از هنرهای گوناگون همچون نمایش، نقاشی، مجسمه‌سازی و دیگر فعالیت‌های هنری، به کودکان این امکان را می‌دهد که با شادی و لذت با داستان یا شعری که خوانده‌اند درگیر شوند، آن را بهتر بفهمند و به شیوه‌ای دیگر بیان کنند. این‌گونه فعالیت‌ها، کودکان و نوجوانان را به خواندن بیشتر تشویق می‌کند که در این‌جا به چند روش اشاره می‌کنیم.

نقاشی دیواری / دیوارنگاره / پوستر

یک نقاشی دیواری، دیوارنگاره یا پوستر، تهیهٔ تصویری بزرگ از صحنه‌های یک داستان روی یک قطعهٔ بزرگ کاغذ است. کودکان یا نوجوانان می‌توانند با نقاشی یا گلاژ، این کار را انجام دهند. تهیهٔ نقاشی دیواری یا پوستر، کودکان و نوجوانان را به مشارکت و کار گروهی تشویق می‌کند.

برای این فعالیت، کاغذ را روی زمین یا میز درازی قرار دهید تا کودکان و نوجوانان بتوانند به شکل گروهی روی تصویرها کار کنند. برای نمونه، اگر داستان در جنگلی اتفاق می‌افتد، کودکان، جنگل را روی کاغذ بزرگ به تصویر می‌کشند. می‌توان صحنه‌های مختلف یک داستان را انتخاب کرد و از کودکان و نوجوانان خواست هرکدام داوطلبانه، صحنه‌ای را به تصویر بکشند و سپس از روی تصویرها، داستان را بازگو کنند.

جعبه آینه

فضاسازی بسیاری از داستان‌ها در شکل و اندازه کوچک‌تر (مینیاتوری) در «جعبه آینه» برای کودکان، لذت بخش و برانگیزاننده است. کودکان در هر سنی، ساختن چنین فضاهایی از داستان‌ها را دوست دارند. آن‌ها از گردآوری خرده‌ریزهای دوروبر همچون قرقره، سر بطری و جعبه و تبدیلیشان به فضاهای داستانی لذت می‌برند.

می‌توانید از کودکان بخواهید با پارچه یا کاغذ، عروسک‌هایی از شخصیت‌های داستان درست کنند و در کنار فضاهایی که آماده کرده‌اند، به داستانی که خوانده‌اند جان ببخشند.^۱

نمایش خلاق

نمایش، یکی از هیجان‌انگیزترین راه‌ها برای بازگویی قصه است. داستان را برای کودکان یا نوجوانان بخوانید و از آن‌ها بخواهید بخش‌هایی از داستان را به شیوه خود به نمایش درآورند. نمایش خلاق به کودکان اجازه می‌دهد که با شخصیت‌های داستان رابطه‌ای نزدیک برقرار کنند و برداشت‌های خود را از داستان بیان کنند.

کودکان را راهنمایی کنید که کتاب را به صحنه‌های مختلف تقسیم، و اجرای نمایش خلاق را برنامه‌ریزی کنند. آن‌ها را با پرسش‌هایی به برنامه‌ریزی نمایش راهنمایی کنید: دوست دارند چه رفتارهایی را به نمایش درآورند؟ رویدادها را به چه ترتیب زمانی بیان کنند؟ از آن‌ها بخواهید تلاش کنند گفته‌ها را از برکنند و حال و هوای کلی داستان را با بدیهه‌سرایی تجسم بخشند. به آن‌ها فرصت دهید نمایش خود را ارزیابی کنند.^۲

۱. توضیحات کامل‌ترین بخش را می‌توانید در جزوه نمایش و نمایش عروسکی مطالعه کنید.

۲. چگونگی تشکیل یک گروه نمایش و اجرای آن در جزوه‌ای جداگانه آمده است.

خلاقیت ادبی یا ایجاد انگیزه نگارش

می‌توانید از کودکان بخواهید داستان را آن‌طور که خودشان دوست دارند، بنویسند. می‌توانید داستان را در جایی که قبلاً خودتان انتخاب کرده‌اید، قطع کنید و از کودکان بخواهید بقیه آن را به دلخواه خود ادامه دهند و تمام کنند. در چنین مواردی، آن‌ها با علاقه، ادامه داستان را می‌نویسند و سپس مشتاق می‌شوند تا بدانند نویسنده اصلی، داستان را چگونه ادامه داده است و از شباهت نوشته‌هایشان با آن لذت می‌برند. تنوع در داستان‌های نوشته شده نیز برای آن‌ها جالب است. می‌توانید از آن‌ها بخواهید داستان خود را به شکل کتاب درآورند.

کتاب داستانی و داستان‌گویی

تعریف

داستان، بیان واقعه‌ای است که حقیقت ندارد یا در زوایای مختلفش، پرداخت ذهنی صورت گرفته و پایان باز دارد و هر مخاطب می‌تواند نتیجه‌گیری‌های مختلفی از داستان بیان کند.

کودک به دلیل این‌که در این دوره سنی نیاز به الگو دارد، با شنیدن قصه و داستان، تلاش می‌کند تا قهرمانان قصه‌ها را به عنوان الگوهای آینده خود برگزیند و از تجربه‌های آن‌ها در زندگی خود استفاده کند. همین موضوع نیز کمک می‌کند کودک خود را به جای شخصیت‌ها گذاشته و در موقعیت‌های مختلف، تفکر و تعقل کند. وجود داستان‌ها و قصه‌های عبرت‌آموز در قرآن کریم را می‌توان نشان‌دهنده اهمیت و نقش قصه در شکل‌گیری شخصیت افراد دانست. در این بخش، به روش‌های بیان داستان‌ها (داستان‌گویی) و انتخاب بهتر کتاب‌های داستانی می‌پردازیم.

قصه و مناسب بودن آن برای داستان‌گویی

این‌که هر قصه به صورت کتاب دربیاید، دلیل بر خوب بودن آن نیست و گاه مضر و بی‌فایده است. در نتیجه قابلیت عرضه شدن به صورت داستان‌گویی را ندارد. آن‌چه به قصه قابلیت عرضه شدن می‌بخشد، مضمون یا درون‌مایه آن است. در واقع موضوع هر داستان، مفهومی است که داستان به آن منظور بیان می‌شود. درون‌مایه یا مضمون، دیدگاهی است که از خواندن یا شنیدن داستان دریافت می‌شود. رعایت درون‌مایه‌ها و بیان آن‌ها در داستان، در درازمدت، سبب آن می‌شود که بعد از چند داستان، مخاطب به یک درک لایتغیر برسد که مثلاً همیشه حق بر باطل پیروز است؛ مالکیت خدا را می‌پذیرد و در ناخودآگاه، کودک به باورهایی می‌رسد؛ باورهایی که در رفتار و منش وی اثرگذار خواهد بود. این میزان اثرپذیری و بروز رفتاری به سایر عناصر داستان چون شخصیت‌پردازی بستگی دارد. این‌که شخصیت اصلی داستان چقدر توانسته در قلب مخاطب نفوذ کند و وی متمایل باشد آن را الگوی خود قرار بدهد؛ به طور مثال، اگر درون‌مایه نیکی به پدر و مادر برای چند داستان استفاده شود، مخاطب بعد از شنیدن چندین داستان با این مضمون در رده کودک، سعی در عملیاتی کردن آن دارد و در رده نوجوان، برای دقایقی هم که شده به این موضوع عمیق فکر می‌کند و با توجه به شرایط روحی، برای پذیرش و اجرای آن در رفتار با والدین تلاش می‌کند.

۱. روش‌های بیان داستان

بیان قصه برای مخاطب شیوه‌های متفاوتی دارد؛

الف. قصه‌خوانی

این روش، ساده‌ترین شیوه ارائه یک قصه از سوی قصه‌گو است. در این کار، قصه‌گو، متن قصه را به دست می‌گیرد و آن را از روی کتاب یا کاغذ برای

مخاطب‌هایش می‌خواند. این روش، دارای اشکالاتی است: کودک یا نوجوان، به قصه‌گو به صورت یک واسطه نگاه می‌کند که خودش چیزی ندارد و تنها واسطه انتقال کتاب به اوست.

ب. داستان‌گویی ساده

در داستان‌گویی ساده، خطوط چهره قصه‌گو و تغییراتی که هنگام بیان صحنه‌های قصه در خطوط چهره قصه‌گو ایجاد می‌شود، نقش عمده‌ای در انتقال بهتر قصه دارند. استفاده از تغییر خطوط چهره، در یک کلام به این معناست که چهره قصه‌گو، هنگام بیان صحنه‌های غمگین، غم را نشان دهد و در زمان بیان صحنه‌های شاد، گشاده و متبسم گردد. به عبارت دیگر، ضعف و پیری، شجاعت و دل‌آوری، جوانی و افتادگی و غرور و شکست، مهربانی و اتفاقات برای قهرمانان قصه، از تغییرات چهره قصه‌گو استنباط گردد.

پ. داستان‌گویی همراه با پرده‌خوانی

اگر قصه‌گو هنگام قصه‌گفتن، صحنه‌هایی از قصه را هم که به صورت نقاشی قبلاً تهیه شده به بینندگان نشان دهد، داستان‌گویی همراه با پرده‌خوانی اجرا شده است. در واقع اگر قصه‌گو در کنار داستان‌گویی ساده، تصویر صحنه‌هایی را هم که می‌گوید نشان دهد، به شیوه «پرده‌خوانی» عمل کرده است. داستان‌گویی همراه با پرده‌خوانی، کمک می‌کند تا تفکر و تعقل در نوجوان فعال‌تر گردد و به عمق مسائل داستان برای نتیجه‌گیری بیشتر فکر کند.

برای داستان‌گویی همراه با تصویرخوانی، راه‌های متعدد، متنوع و پُر جاذبه‌ای هست که هرکس به فراخور قدرت ابتکار و توان هنری خودش می‌تواند به یکی از آن‌ها دست بزند. در عین حال بد نیست ما در این جا به چند راه از راه‌های ارائه قصه همراه با تصویر اشاره کنیم و کشف و اجرای راه‌های دیگر این شیوه را از ذهن مبتکر قصه‌گو انتظار داشته باشیم:

می‌توانید تصویرهای یک قصه را به ترتیب روی مقواهای هم‌اندازه بکشید و آن‌ها را روی هم بچینید و همین‌طور که قصه می‌گویید و پیش می‌روید، یکی یکی تصویرها را بردارید و به مخاطب‌ها نشان دهید.

می‌توانید تصویرها را به هم بچسبانید و مجموعه آن را دور لوله‌ای چوبی یا فلزی ببیچید و با بازکردن تصویرها از روی یک لوله و بیچیدن آن دور لوله دیگر، به ترتیب پیش بروید و در کنار تغییر تصویرها، قصه‌ها را هم پیش ببرید.

می‌توانید تصویرهای یک قصه را - نه به صورت منظم - روی یک تابلو یا مقوای بزرگ بکشید و بعد با استفاده از یک چوب باریک، هنگام گفتن قصه به صحنه‌های مورد نظر هم اشاره کنید.

می‌دانید که بچه‌ها از این‌که قصه‌ای را بارها بشنوند، خسته نمی‌شوند؛ با این حساب می‌توانید از خود مخاطب‌ها کمک بگیرید، صحنه‌های قصه را بدهید بچه‌ها خودشان نقاشی کنند و از روی نقاشی‌های خود بچه‌ها قصه را دنبال کنید.

عکس‌های یک مجله را ببرید و آن‌ها را باهم مخلوط کنید و سپس از کودکان بخواهید یک داستان با آن تصاویر بسازند.

داستان‌گویی همراه با تقلید حرکات، روشی مناسب برای کودکان خردسال است.

این راه‌ها و هراه دیگری به شما امکان می‌دهد تا در کنار قصه‌ای که می‌گویید، تصویرهایی هم داشته باشید که به مخاطب‌ها نشان بدهید، «داستان‌گویی همراه با پرده‌خوانی» است. توجه داشته باشید که استفاده از دستگاه‌های اوپک و پروژکتور و... علاوه بر تأثیر فرهنگی نامطلوب در منطقه، به علت روشن و تاریک شدن مکرر فضای داستان‌گویی، تمرکز مخاطبان را به هم می‌زند و ارزش و اهمیت قصه به مقدار چشم‌گیری می‌کاهد.

استفاده از تصویر به منظور بیان بهتر داستان، برای نوجوانان جذابیت بصری ایجاد می‌کند و یکی از راه‌هایی که مربی برای دریافت نتیجه داستان از نوجوانان می‌تواند انجام دهد، آن است که بعد از اتمام داستان، تصاویر داستان را به صورت نامنظم در اختیار گروه‌هایی که از قبل تشکیل داده است قرار دهد و به صورت مسابقه‌ای از آن‌ها درخواست کند تا ترتیب و تقدم و تأخر تصاویر داستان را تنظیم نماید و آن‌ها را در کنار هم قرار دهد و به نحوی با مضامین داستان بازی کند تا آن‌ها و ترتیب اتفاقات داستان برایشان درونی شود و با آن هم‌زادپنداری کنند.

۲. داستان‌گو

داستان‌گو کسی است که تصمیم دارد با استفاده از فن داستان‌گویی، قصه‌ای را برای مخاطب یا مخاطب‌های مشخص بازگو کند تا پیام قصه را مؤثرتر انتقال دهد. اگر قصه‌گو با دنیای کودکان و نوجوانان آشنا باشد و منطق آن‌ها را بپذیرد، می‌تواند با بهره‌گیری از فنون داستان‌گویی، بذری تمام ارزش‌های بزرگ و کوچک مذهبی، اخلاقی و انسانی را در ضمیر مخاطب‌ها خوب بکارند و مطمئن باشد که بیش از هر معلم دیگری آموزش داده است، زیرا آن‌چه در کودکی با قلم مؤثر هنر بر صفحه حساس دل کودک حک می‌شود، در بزرگی حتی با حربه عقل و علم و تجربه هم زدودنی نیست.

۳. مخاطب‌های برنامه داستان‌گویی

مخاطب‌های برنامه قصه‌گویی افرادی هستند که با شنیدن قصه و توجه به گفتار و رفتار قصه‌گو، ایشان را در ارائه قصه همراهی می‌کنند. این همراهی می‌تواند حتی به صورت تماشای یک برنامه تلویزیونی نیز باشد، اما بحث ما روی برنامه‌هایی است که قصه‌گو و مخاطب‌ها، رودرروی هم قرار گرفته‌اند و محدوده سنی مخاطب‌ها را نوجوانان تشکیل می‌دهند. در این حالت، هر قدر که تعداد

مخاطب‌ها کمتر باشد، داستان‌گویی راحت‌تر و مؤثرتر است، زیرا قصه‌گو باید این امکان را داشته باشد که از طریق نگاه و چهره، با مخاطبان خود ارتباط برقرار کند تا با حالت‌های آنان آشنا شده و از آن برای بیان مؤثر قصه بهره گیرد. به‌طور کلی تعداد مخاطب‌ها نسبت به نوع قصه، قدرت قصه‌گو و فضای داستان‌گویی متغیر است، اما شاید بتوان گفت که تعداد ۵ تا ۳۵ نفر شنونده برای برنامه داستان‌گویی مناسب است.

مراحل کار داستان‌گویی

مراحل کار یک قصه‌گو عبارت است از:

۱. انتخاب قصه

انتخاب قصه از حیث مناسب بودن محتوا و همچنین تناسب درون‌مایه با هدف قصه‌گویی و شرایط مخاطب بسیار حائز اهمیت است؛ به‌عنوان مثال در حین دقت به مناسب بودن محتوا، هرگز نباید قصه‌ای را برای مخاطب انتخاب کنیم که او را به تن‌پروری، اعتقاد به شانس و اقبال عادت دهد یا عقاید خرافی و اوهام را به او تلقین کند؛ مثلاً داستانی نباشد که در آن یک جوان فقیر با انجام دادن فلان کار بی‌اهمیت ثروتمند می‌شود و شهرت جهانی کسب می‌کند. به‌طور مسلم فردی که این داستان‌ها را بشنود، حق دارد هرگونه فعالیت و تلاشی را برای پیشرفت در زندگی بی‌ارزش تلقی کند.

* توضیحات مربوط به محتوای داستان که در انتخاب قصه تأثیر بسزایی دارد، در بخش مربوط به آن آمده است.

۲. حفظ طرح داستان

پس از انتخاب قصه‌ای که از همه جهات مناسب باشد، اولین کار داستان‌گو، مطالعه مکرر و دقیق داستان است تا خطوط اصلی آن را به ذهن بسپارد. مسلماً

منظور ما این نیست که داستان‌گو تمام جملات داستان چاپ شده را حفظ کند، بلکه در این مرحله، داستان‌گو باید «طرح کلی» داستان را به خاطر بسپارد و به خوبی بداند که کدام صحنه بعد از کدام صحنه می‌آید و اوج و هیجان داستان کجاست، داستان از کجا شروع می‌شود و کجا خاتمه می‌یابد. در حفظ طرح کلی، داستان‌گو باید بفهمد که به داستان علاقه دارد یا نه، زیرا اگر داستان‌گو خودش احساسی نسبت به داستانی که می‌گوید نداشته باشد، نمی‌تواند مخاطبی را تحت تأثیر قرار دهد. برای مخاطب نوجوان - که گاهی متن‌های داستان‌های انتخابی حجم زیادی دارد - تسلط داستان‌گو یا معرفی‌کننده داستان به نوجوان ضروری است تا علاقه‌مندی مخاطب را به کتاب خوانی تحت تأثیر قرار دهد.

۳. تمرین

قصه‌گو باید حین تمرین،^۱ در یک لحظه، هم شنونده باشد و هم گوینده و عیب‌های خودش را زیر نظر بگیرد؛ به خصوص به حرکات متفاوتی که هنگام داستان‌گویی از او سر می‌زند دقت بیشتری بکند. بهتر است قصه‌گوسعی کند حین تمرین، کلمات ساده‌ای را که مخاطب می‌پسندد، داخل متن جا کند. قصه‌گو باید حین تمرین روی تک‌تک کلماتی که از دهانش خارج می‌شود حساسیت به خرج دهد و مدام از خود بپرسد: آیا مخاطب من معنای این کلمه را می‌فهمد؟

۴. اجرا

در اجرای قصه، دو مرحله مهم وجود دارد؛ یکی پیشگفتار قصه است و دیگری اجرای متن قصه. پیشگفتار قصه هر چیزی می‌تواند باشد و درحقیقت مقدمه‌ای است برای ایجاد آمادگی در روحیه مخاطب‌ها تا قصه را صمیمانه‌تر بشنوند. پیش درآمد لازم است، اما نباید طولانی باشد و نباید هیجان و پایان قصه را لو دهد.

۱. بهترین راه، تمرین درمقابل آینه است.

یکی از مهم‌ترین کارهای قصه‌گو، انتخاب شیوه داستان‌گویی جهت اجرای آن می‌باشد که در ادامه به توضیح شیوه‌های مختلف داستان‌گویی می‌پردازیم.

درون‌مایه و کلان‌روایت

درون‌مایه، عصاره مفهومی داستان است و اغلب آن را یکی از عناصر بنیادین ادبیات داستانی می‌دانند؛ مفهوم یا ایده محوری داستان که عنصر وحدت بخش داستان هم هست. درون‌مایه، فکر اصلی و مسلط بر هر اثری است؛ رشته یا خطی که در طول اثر کشیده می‌شود و وضعیت و موفقیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد. به عبارت دیگر، درون‌مایه را فکر و اندیشه حاکم بر اثر - که نویسنده در داستان اعمال می‌کند - تعریف نموده‌اند. به همین دلیل می‌گویند درون‌مایه هر اثر هنری جهت‌گیری فکری و نگرشی نویسنده را نشان می‌دهد. اگر پرسند «از این داستان چه چیزی یاد گرفتید؟» پاسخ همان درون‌مایه خواهد بود.

داستان باید:

- در عین سرگرم‌کردن مخاطب، زیبایی، صلح، صفا، صداقت و راستی را در آن‌ها پدید آورد و خوبی و بدی امور را به آن‌ها تفهیم کرده، مشکلات و نتایج بد اخلاقی را برای آنان به تصویر بکشد.
- نیروی عقل و تفکر را رشد دهد و او را به قضاوت و داوری بخواند. همچنین نیروی منطق و استدلال را در او تقویت کند و کنج‌کاو وی را تحریک نماید. داستان‌هایی که زیرلایه‌های فلسفی دارند و بیانگر فلسفه زندگی و اتفاقات معمولی هستند، می‌توانند در این زمینه مؤثر باشند.
- نتایج غلط به دست ندهد و یک نتیجه اخلاقی داشته باشد.
- هر داستانی که انتخاب می‌شود باید هدفی را دنبال کند که آن هدف، ارزنده و در طریق سازندگی و رشد مخاطب مؤثر باشد.
- با توجه به آمادگی و پذیرش الگوها در این رده سنی، باید تلاش شود تا از کتب

و داستان‌هایی استفاده شود که روح قهرمان پروری در آن‌ها وجود دارد و مخاطب را به سمت قهرمان شدن سوق دهد.^۱

علاوه بر مناسب بودن قصه از جهات اشاره شده، بایستی به کلان‌روایت‌هایی که می‌توانند در قصه دخیل باشند هم توجه کرد. کلان‌روایت به معنی نظریه‌ای است که سعی دارد روایتی کلی و فراگیر از تجارب، وقایع گوناگون تاریخی و پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی ارائه دهد تا طبق آن، حقیقتی فراگیر یا ارزش‌هایی جهانی بنیان شود. چنین روایتی، داستانی است که کاربرد آن مشروعیت بخشیدن به قدرت، صلاحیت، اعتبار، دین‌داری، اختیار و رسوم اجتماعی است. در واقع این روایت‌های کلان با به‌کارگیری نوعی الگوی دانش جهانی، ادعای معنا بخشیدن به پدیده‌ها و وقایع گوناگون در تاریخ را دارند. از تعریف فوق درمی‌یابیم که کلان‌روایت‌ها، پیام‌های کوتاه با حقایق دینی، اجتماعی و فرهنگی هستند که حضور آن‌ها در داستان، موجب می‌شود حقیقت یا رفتاری برای مخاطب فرهنگ‌سازی شود.

اشتباه مسلم ما در قصه‌های اخلاقی و تربیتی این است که برای گرفتن نتیجه تربیتی، قصه را به سخنرانی و درس اخلاق تبدیل می‌کنیم و اشتیاق کودک را برای همراهی از بین می‌بریم. به همین جهت کودکان بیشتر از قصه‌های داستانی محض استقبال می‌کنند؛ درحالی‌که می‌توان در قصه‌های داستانی هم اهداف اخلاقی را دنبال کرد، بدون آن‌که قصه را از جاده داستانی خودش خارج سازیم. از این رو مجدداً توصیه می‌شود که در بیان مطالب، درون‌مایه‌ها و کلان‌روایت‌ها، مربی توجه کند که بیان آن‌ها با واژگان مستقیم و نتیجه‌گیری مستقیم همراه نشود و در قالب مثل، مصداق و تک‌جمله بیاید.^۲

۱. ویژگی‌های قهرمان و قهرمان پروری به پیوست این جزوه می‌آید.
 ۲. باید توجه داشت که اثرگذاری کلان‌روایت‌ها بستگی به تکرارپذیری آن‌ها در داستان‌های گوناگون در طی زمان دارد. از طرفی چون شرایط کلاس درس و حضور در منطقه محدود است، شاید به‌طور کامل کلان‌روایت‌ها ارضا نشوند و در این‌جا به‌عنوان پیامک‌های داستانی که از طرف مخاطب دریافت می‌شود، معنای روشن‌تری داشته باشد.

از آن جا که توجه به رشد تفکر و تعقل در این بازه سنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، استفاده از کلان‌روایت‌ها به صورت تک‌به‌تک و کوتاه در داستان‌ها، رفته‌رفته مخاطب را به تفکر و تعقل درباره موضوع بیان شده وامی‌دارد و در رشد او مؤثر است.

کلان‌روایت‌هایی که در این جا به آن‌ها اشاره می‌کنیم، متناسب با شرایط سنی مخاطب از قرآن کریم و فرهنگ تربیتی- دینی اقتباس شده‌اند. همچنین تلاش شده که با توجه به در نظر گرفتن شرایط مخاطب و هدف‌های متناسب با روستا، از بُعد اجتماعی نیز بهره‌بریم. بدیهی است که نکات و کلان‌روایت‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی بیش از این‌ها بوده و فقط بخشی از آن‌ها در این جا آورده شده است.

در این جا کلان‌روایت‌ها را به سه بخش تربیتی- دینی، اخلاقی و اجتماعی تقسیم می‌کنیم.^۱ در بخش تربیتی- دینی یک سری اصولی که باعث می‌شود تفکر و تعقل مخاطب شکل بگیرد را بیان می‌کنیم و در بخش اخلاقی، بروزهای رفتاری کودک را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در بخش اجتماعی، نکات مربوط به شرایط اجتماعی که کودک در آن جا قرار دارد را مورد توجه قرار می‌دهیم.

باید توجه کنیم هدف از بیان کلان‌روایت‌ها این نیست که مربی با توجه به آن‌ها داستانی را بسازد، بلکه مربی می‌تواند حین نقل داستان به آن‌ها اشاره کند. بیان یک کلان‌روایت در چند داستان باعث شکل‌گیری تفکر و رفتار می‌شود؛ به‌طور مثال، در آثار تلویزیونی برای جافتادن بستن کمربند ایمنی، در اکثر آثار نمایشی، نشان داده شود که فرد پس از سوار شدن به ماشین کمربند ایمنی خود را می‌بندد. این تکرار در مخاطب به‌گونه‌ای اثر می‌گذارد که مخاطب پس از مدتی، وقتی وارد ماشین می‌شود، بلافاصله و بدون اختیار کمربند ایمنی را می‌بندد. کلان‌روایت‌ها در داستان‌ها نیز بر روی مخاطب چنین اثری دارند؛ به‌طور مثال اگر

۱. هرکدام از مثال‌های کلان‌روایت‌ها، خود می‌تواند یک درون‌مایه برای انتخاب یک داستان باشد.

احترام به والدین به اشکال متفاوت و گذرا در چند داستان بیاید، پس از شنیدن چند داستان، کودک به طور ناخودآگاه می‌پذیرد که می‌بایست به پدر و مادر خود احترام بگذارد و رفتار کودک شکل می‌گیرد.

کلان‌روایت‌ها

۱. تربیت اخلاقی - دینی

ربوبیت

خدا خالق عالم است و منتسب دانستن امور به ید قدرت الهی، حائز اهمیت است؛ به طور مثال، در روند داستان، خانواده‌ای دارای فرزند می‌شوند. در این شرایط، حین ارائه قصه، بیان جملاتی چون «خدا این کوچولو رو به ما داده» می‌تواند در این مورد تأثیرگذار باشد.

تکیه و توکل بر خدا

ضمن داستان، شرایطی پیش می‌آید که شخصیت داستان به مشکلی برمی‌خورد یا می‌خواهد کاری انجام دهد. آن‌جا به خدا توکل می‌کند. در بیان روایت تولد حضرت موسی، مادر موسی وقتی فرزند خود را در گهواره می‌گذاشت، جملاتی بیان کرد؛ مثل: «خدا هست من نگران نیستم»، «خدا حواسش بهم هست»، «خدا خودش کمک می‌کنه» جملاتی از این دست حین برخورد شخصیت‌ها با مشکلات، مصادیقی از توکل به زبان ساده هستند.

اصلاح

در بیان داستان، شرایط صدق و کذب، دعوا و... پیش می‌آید. بیان این‌که «خدا دوست دارد که ما راست بگوییم»، بیان این‌که «خدا دوست دارد همه با هم مهربان باشند» و چنین چیزهایی که محبت و اصلاح خداوند را برساند، می‌تواند مفید باشد.

باید شرایط سنی مخاطب را نیز در نظر بگیرید. به این نکته نیز توجه داشته باشید که بازهٔ سنی گفته شده بسته به مناطق مختلف احتمال تغییر دارد که تشخیص این مسئله به عهدهٔ مربی است. اگر تشخیص دادید که مفهوم خدا برای مخاطب شما حالت انتزاعی دارد، می‌توانید با تغییر جملات، این مشکل را حل کنید؛ به عنوان مثال در بخش اصلاح، به جای جملهٔ «خدا دوست دارد ما راست بگوییم» می‌توان گفت: «ما باید راست بگوییم.»

خودآگاهی

بیان این‌که هر آدمی خودش می‌داند چه اخلاقی دارد، چه رفتاری می‌کند، خودش خوب و بدش را می‌داند، در این بخش مدنظر است؛ مثلاً اتفاقی رخ می‌دهد که شخصیت داستان در شرایط حساسی قرار می‌گیرد. آن شخصیت کار بدی را انجام داده، اما هنوز دیگران از انجام آن فعل بی‌خبرند. در بیان احوال آن شخصیت، بیان عبارت‌هایی همچون «خودش می‌دونست کارش درست نیست» یا «خودش می‌دونست که باید فلان کار را انجام می‌داد» می‌توانند مناسب باشند. خودش می‌داند بیانات ساده‌ای برای نشان دادن خودآگاهی‌اند.

بیداری وجدان

پشیمانی بعد از انجام فعل یا فکر نادرست را می‌توان در داستان نشان داد. شخصیت داستان پس از انجام فعلی، احساس ناراحتی می‌کند، خوشحال نیست و دچار درگیری‌های ذهنی می‌شود. بیان جملاتی در رابطه با سردرگمی شخصیت بعد از انجام فعل، این موضوع را می‌رساند. جملاتی مثل: «ای کاش این کار را نکرده بودم» در این باره می‌تواند مؤثر باشد.

عزت نفس

بیان جملاتی که عزت نفس را در داستان به نمایش می‌گذارد؛ شجاعت /

روحیه کار و تلاش / شکست، مقدمه پیروزی / عدم تحمل زور و ظلم که هر کدام به فراخور داستان انتخابی می‌تواند در محتوای کلام داستان گواورده شود.

امربه معروف و نهی ازمنکر

این گزینه به معنای خاص امربه معروف و نهی ازمنکر نیست، بلکه معنای عام امربه معروف و نهی ازمنکر مدنظر است؛ به طور مثال، شخصیتی از داستان به دوست خود که رفتار نامناسبی داشته، گوشزد می‌کند که «شکستن شیشه همسایه درست نبوده». یا به دوست خود پیشنهاد می‌کند که «برویم کمک پیرزن همسایه و خانه او را جارو کنیم».

دعوت به فکرکردن

در خلال داستان با پدیده‌هایی مواجه می‌شویم که به وسیله شخصیت‌های داستان، مخاطب را به دیدن پدیده‌های خلقت و این‌که چه کسی آفریده، چرا آفریده و... دعوت می‌کنیم؛ به طور مثال: «علی داشت کنار جوی آب قدم می‌زد، دید برگ زردی از درخت بالای سرش در جوی افتاد، نگاهی به بالای سرش انداخت. خدای من! برگ درختان زرد شده بود؟! چه بلایی سر درختان آمده بود؟» و سایر پرسش‌ها و پاسخ‌هایی که در خلال داستان به آن‌ها پرداخته می‌شود.

در مطالعه سرگذشت انسان‌های گذشته، شخص می‌تواند به تفکر و ارزیابی دقیق عملکرد آنان بپردازد و درواقع، خود را به جای آن‌ها قرار دهد و سرنوشت محتوم خود را ملاحظه کند و بعد اگر فرصتی در اختیار او قرار داده شد، کمال استفاده را بنماید.

شکرگزاری و تشکر

نعمت‌هایی که خدا داده است را شکر کنیم. از واسطه نعمت‌ها متشکر باشیم؛ مثلاً «حسن غذا را خورد، خدا را شکری گفت و بلند شد» یا «رضوان به خاطر لباسی که مادرش خریده بود او را بوسید و گفت ممنونم.»

۲. تربیت اخلاقی

رعایت ادب در داستان

در عین قاطعیت کلام گوینده، در داستان و شخصیت‌های خوب داستان اهانت و گستاخی مشاهده نکنیم و این مسئله را حتی الامکان با عباراتی چون «حرف زشت به زبان نیاورد»، «صبر کرد» یا «خشمش را قورت داد» به کودک بیان کنیم.

رعایت حیا در کلام شخصیت‌های داستان

تلاش بر این باشد که حیا در رفتار و شخصیت‌های داستان پیدا باشد. حیا در کلام مشخص باشد؛ یعنی شخصیت‌های داستان با احترام با هم سخن بگویند و از به‌کاربردن کلمات ناشایست، صداکردن یکدیگر با اسم‌های سخیف، دروغ، غیبت و بدگویی پرهیز کنند و عفت را رعایت کنند.

احترام به حقوق دیگران

در این بخش، رعایت حقوق دیگرانی که در ارتباط با شخصیت اصلی هستند مد نظر است. اگر موضوعاتی چون مراعات زن و مرد بودن، رعایت حقوق والدین یا دوستان، مشورت‌کردن و... در خلال داستان دیده می‌شود، سعی کنیم آن را با بیان جملاتی به کودکان برسانیم.

تبری از صفات زشت

در طول داستان، شخصیتی که صفات زشت دارد، باید از نگاه داستانی منفور و مطرود باشد. بیزاری سایر شخصیت‌های داستان از صفات زشتی مثل حسد، اذیت کردن دیگران، دادزدن، بی‌احترامی به والدین و... بهتر است با بیان عبارتی مشخص شود.

۳. اجتماعی

عرق روستایی / ملی

علاقه به محل زندگی یا داشتن وابستگی به محل زندگی در داستان دیده شود؛ مثلاً در خلال داستان، اتفاقی می‌افتد که شخصیتی مجبور به ترک محل زندگی خود می‌شود. در این شرایط، بیان کلماتی که نشان‌دهنده وابستگی وی به محیط پیرامونش می‌باشد همچون: «من این جا رو دوست دارم ولی...» می‌تواند مؤثر واقع شود.

مودت

همدلی اهل روستا و باهم‌بودن در شرایط متفاوت، در بیان داستان‌های اجتماعی دیده شود. یک مشکلی در جامعه داستان پیش آمده است؛ اهالی به بیان‌های متفاوت ابراز ناراحتی و همدردی می‌کنند.

- صبر و استقامت
- احترام به حقوق دیگران
- گذشت

ساختن روستا/ جامعه

تلاش برای آبادانی و بهتر شدن شرایط، به نظر مخاطب بیاید و شخصیت‌های داستان با بیان و عمل به سمت بهتر شدن شرایط محل زندگی و رفع مشکلات موجود حرکت کنند.

در بخش اجتماعی، موضوعاتی که آورده شده، منفک از هم نیستند. مربی می‌بایست در انتخاب داستان‌های خود به شیوه‌ای عمل کند که حداقل دو الی سه داستان بر مبنای قالب‌های اجتماعی باشد.

برای کودکان، بیان داستان در قالب تمثیل اثرگذاری بیشتری دارد و فهم کلام را بالا می‌برد. توجه کنید که مربی باید داستان مورد نظر خودش را با توجه به طرح درس و شرایط کلاس انتخاب کند. بیان کلان‌روایت‌ها به مربی کمک می‌کند که بتواند داستان بهتری را انتخاب کند یا در بیان داستان خود از این کلان‌روایت‌ها استفاده کرده و اثرپذیری و اثرگذاری داستان را در کودک افزایش دهد.

کلان‌روایت‌هایی که در این جا آمده، صرفاً مصداق بوده و برای روشن شدن ذهن مربی است و لزومی به استفاده از تمامی کلان‌روایت‌ها نیست. هر کلان‌روایت به فراخور موقعیت وارد داستان می‌شود و این امکان نیز وجود دارد که برخی کلان‌روایت‌ها با یکدیگر هم‌پوشانی داشته باشند، اما باید توجه کرد که سیر و روند داستان نباید به‌گونه‌ای باشد که با کلان‌روایت‌های بیان شده تضاد و تناقضی داشته باشد.

قرآن کتاب داستان نیست، ولی از داستان در خدمت هدف و رشد دادن به عقول و افکار و جهت دادن به زندگی بشر استفاده می‌کند. پیام داستان‌های قرآن لزوماً در انتهای داستان نیست و چه بسا در گرماگرم یک ماجرا، آن جا که قهرمان داستان تشخیص می‌دهد، پیام هدایتی خود را به صورتی ماهرانه، طبیعی، بدیع و تازه به مخاطبان می‌دهد.

آشنایی با قوانین و سنن ثابت الهی

بر جهان تکوین، یک سلسه قوانین و نوامیس قطعی و غیرقابل تخلف حکم فرماست که قرآن از آن به سنت الهی تعبیر کرده است. این قوانین هم بر

گذشته و هم بر امروز و آینده حکم فرماست. موجودات طبیعت در تغییر و تبدیل هستند، اما نظامات طبیعت ثابت و لایتغیرند. موجودات طبیعت متغیر و متکاملند و در مسیرهای مختلف قرار می‌گیرند؛ گاهی به سرحد کمال می‌رسند و گاهی متوقف می‌شوند؛ گاه تند می‌روند و گاه کند. عوامل مختلف، سرنوشت آن‌ها را تغییر می‌دهد، اما نظامات طبیعت نه متغیرند و نه متکامل، بلکه ثابت و یکنواختند.

پیوست

قهرمان پروری

قهرمان، آن وجه آرمانی انسانی است که سعی می‌کند کمبودها، ضعف‌ها و کاستی‌های خود را با پرورش و آفرینش آن بازسازی کند. این فرد، شخصیت محوری داستان است که حداقلی‌ترین ویژگی‌اش این است که با غلبه بر سختی‌ها و ظلم، مسیر اصلی داستان را به هم می‌زند. هرچقدر جغرافیا و تاریخ تغییر کنند، خصلت‌های قهرمانی دستخوش تغییر نمی‌شوند.

تقویت روحیه قهرمان پروری در جامعه، سبب بهبود وضعیت موجود جامعه می‌شود؛ به این صورت که با تقویت روحیه قهرمانانه، هر فرد خود را قهرمان می‌داند و در شرایط مورد نیاز، عمل قهرمانانه - هرچند کوچک - از خود بروز می‌دهد. به همین دلیل توصیه می‌شود که داستان‌هایی انتخاب شود که در کودک، روحیه قهرمانی را رشد داده و قهرمان پرور باشد.

کودکان در این سن به داستان‌های قهرمان محور علاقه زیادی دارند و یکی از راه‌های جذب کودکان، استفاده از داستان‌هایی است که قهرمان به‌طور ویژه در آن حضور دارد. علاوه بر این، حضور قهرمان در داستان باعث اثرگذاری بیشتر بر روی مخاطب می‌شود. کودک با داستان ارتباط می‌گیرد، خودش را به جای قهرمانان داستان می‌گذارد و در داستان سیر می‌کند.

بچه‌ها باید بدانند که بیشتر قهرمان‌ها همین مردم عادی‌اند، ولی عمل قهرمانانه بروز می‌دهند. قهرمان یک فرد خاص نیست، بلکه یک انسان عادی عمل خاص انجام می‌دهد. برای قهرمان بودن باید یاد بگیرند که در همین عادی بودن رفتار غیرعادی داشته باشند، زیرا هیچ‌وقت هم‌رنگ جماعت نمی‌شوند.

در تخیل قهرمانانه، به کودکان القا می‌شود که: «من یک قهرمان در انتظار هستم، در انتظار این‌که شرایط جور شود و عمل قهرمانانه‌ام را نشان بدهم.» ضمن این‌که

باید در نظر داشته باشیم که قهرمان از شخصیت مردم عادی برمی‌خیزد و ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد ندارد. قهرمان‌های نامی، قهرمان‌های استثنا با نیروهای فرا بشری هستند.

کلید قهرمان دو چیز است:

۱. وقتی دیگران منفعل هستند، دست به عمل بزنید.

۲. به نفع جامعه اقدام کنید، نه به نفع خودتان.

سفر قهرمانی زمانی آغاز می‌شود که واقع‌بینانه محدودیت‌ها را ببینیم، اما در آن‌ها متوقف و منجمد نشویم. ممکن است در انتخاب پدر و مادر، شهر، کشور، زبان، فرهنگ و حتی نام و ژنتیک خودمان قدرت اختیار نداشته باشیم، اما قطعاً همین الآن می‌توانیم گامی کوچک در جهت رشد و بالندگی خود برداریم. لذا توصیه می‌شود با انتخاب داستان‌های قهرمان محور، روحیهٔ قرمانی را در کودکان افزایش داده و شاهد رشد و بلوغ آن‌ها شویم.



A series of horizontal dotted lines for writing, consisting of 15 lines spaced evenly down the page.